

وجدان و دادگاه آن



اصدار عدالت بامعراج وجدان دادگاه
صاحب را و تصمیم اجرا - میکند حکم
می گیرد وجدان



وجدان چیست و وجدان چه معنی دارد؟

وجدان آگاهی و حس درونی فرد نسبت به اخلاقیات و اصول درست و غلط است. این حس درونی به فرد کمک می کند تا رفتارهای خود را ارزیابی کرده و از اشتباهات جلوگیری کند. وجدان معمولاً بر اساس تربیت، تجربه ها و ارزش های فرد شکل می گیرد و به عنوان یک راهنما برای تصمیم گیری های اخلاقی عمل می کند. به بیان ساده تر، وجدان صدای درونی ماست که به ما می گوید چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. این حس می تواند منجر به احساسات مثبت مانند رضایت و آرامش یا احساسات منفی مانند گناه و پشیمانی شود، منوط به اینکه فرد چقدر به اصول اخلاقی خود پایبند بوده است.

انسانهایی که دارای سلامت عقل و خرد سالم اند بگونه انفرادی صاحب محکمه وجدان اند که حاکمیت این محکمه را بمثابه مرجع مشروع بر خود می قبولانند و موافق فرمان آن عمل می کند آنگاه ابلاغ حکمش را می شنود و بامر ونهی آن سر تسلیم می نهد و یا به مفهوم دیگر «اجرای حکم محکمه وجدان» مربوط مالک وجدان است - اطاعت و اقتفا و یاسرکشی و نافرمانی باز هم کار مالک این محکمه است که من، تو و همگان شامل این امریم.

محکمه وجدان یا دادگاه وجدان - می تواند انسان را به سمت احساس گناه یا رضائیت از اعمال خودش هدایت کند و به این شیوه نقش یک رهنما را بخود گیرد و این مرجع مقدس همان دادگاه داخلی انسان است که پرونده های اعمال، تصمیمات و افکار ما را در آن واحد بر بساط قضاوت هموار و بدون معطلی اصدار حکم و بر صاحب افکار و تصمیم

گیرنده ابلاغ می نماید که این پروسه بر احساسات و نیات فرد مربوط و بر اساس ارزشها ، باور ها و بنیاد اخلاقی انسان قوام می بندد که می تواند فرد را بسوی احساس گناه و یا رضائیت از اعمال و کردارش مسیر دهد که در حقیقت صدای ملکوتی درونی رهنمای راستین برای انسان باشد و ما می توانیم به تصویر و تصور خویش این محکمه و قاضی را حاکم و آمر درونی یعنی پیغام رسان الهام مُنزل از طرف وجدان بخوانیم که صحت و سلامت اعمال و یا غلط و ناروا بودن اعمال ما را ابلاغ می نماید

فرق بین داد گاه وجدان و داد گاه عادی

۱ -

داد گاه عادی همان داد گاه معمولی است که در یک مکان معین و فیزیکی و در یک عمارت مشخص جادارد مگر دادگاه وجدان مکان فیزیکی نداشته - درون قلب و ذهن انسان بطور دایم و همیشه فعال است.

۲ -

در داد گاه عادی قضات تخصصی و حرفوی برای تأمین عدالت مشغول کار بوده که همه و سیله دولت انسلاک می یابند مگر داد گاه وجدان همانطوریکه در مقدمه عرض کردم وسیله وجدان مالکش یعنی همان «فرد صاحب وجدان» بر مبنای اصول اخلاقیات و جوهر تهذیب قضاوت و اصدار حکم می می کند

۳ -

داد گاه عادی: یک نهاد قانونی بوده که توسط دولت طور رسمی ایجاد و وسیله قضات رسمی و دولتی برای تطبیق احکام قانون جهت حل و فصل قضایا و اختلافات گماشته میشوند دادگاه وجدان - داد گاه درونی انسان در قالب احساس که در باره اعمال و تصمیمات مالک خویش که خوب و یا بد است حکم آنی صادر و بر ایش ابلاغ می نماید آنگاه مالک در اجرا مخیر است

۴ -

داد گاه عادی با رعایت احکام قانون «مسئولیت های کیفری ، مدنی و حقوقی» را بررسی و در صورت لزوم بر آن مجازات معین و اوامر اجرا و تطبیق می دهند مگر داد گاه وجدان - اعمال مالک خود را در قالب احساسات در همان لحظه تصمیم حکم می کند که این عمل منزه و پاک و عمل شایسته است و بدین روش رهنما میشود و رضائیت او را تحریک و تمجید می نماید و اگر تصمیم و عملش گناه و نارواست او را می فهماند که عملش در تخلف با اخلاق و موازین عدالت قرار داشته و ندامت در قبال دارد ولی با هر حال بعد از این همه زکنالهای وجدان که با خطر است و یابی خطر - تصمیم و عمل آن متوجه مالک وجدان است که کدام مسیر را می پیماید.

۵ -

اهداف در دادگاه عادی تأمین عدالت قضائی و اجتماعی و حفظ نظام اجتماعی در راه رفاه جامعه و در نهایت رسیدن به عدالت اجتماعی پنداشته میشود

ولی اهداف دادگاه وجدان با دقت تام حفظ سلامت اخلاق و روان فرد و تعیین مسیر اخلاق و اصول اخلاقیست.

تأثیرات رعایت احکام دادگاه وجدان بر انسان

اگر با یک اندیشه و یا تصور لازم برآن باشیم تا بدانیم که مفاد رعایت رهنمایی های وجدان از طریق تطبیق حکم محکمه آن بر انسان و روحیه زندگی آن چه تأثیراتی دارد؟
۱. عمل کردن براساس راهنماییهای وجدان مطابق احکام دادگاه آن تأثیرات عمیق و مثبت بر شخص و اعتبار او در جامعه دارد.

افرادعامل با پیروی از رهنمایی محکمه وجدان با اعتماد به نفس اعمال خود را با تصمیمات بدون تزلزل و احساس رضایت بیشتری انجام خواهد داد

۲.

همانطوریکه گفته آمد فرد اگر با اصول اخلاقی که وجدان حکم نموده است هماهنگ عمل کند، دیگران او را به عنوان فردی معتبر و قابل احترام خواهند شناخت و این امر می تواند به ایجاد و تقویت روابط مثبت و اعتماد در جامعه منجر شود.

۳.

افرادی که مطابق به تذکرات ارائه شده با رعایت اصول اخلاقی وجدان احکام صادره آن را بکار بندند، اغلب به عنوان الگو و راهنما برای دیگران شناخته می شوند. این افراد می توانند با رفتارهای خود به دیگران نشان دهند که چگونه می توانند در موقعیت های مختلف به درستی عمل کنند.

۴.

عمل کردن وفق فرمان محکمه وجدان با ریشه اخلاقی آن به فرد عامل کمک می کند تا در مواجهه با چالش ها، متردد نبوده و ثبات مناسب داشته باشد. و با این ثبات می تواند در جامعه نقش مثبتی ایفا کند.

۵.

افرادیکه به وجدان و اوامر آن توجه و حرمت می گذارند و آن را در عمل پیاده می سازند، با امکانات پذیرفتنی تجربه رشد و توسعه روانی و معنوی را کمایی و تجربه بلندی کسب می کنند. این امر می تواند به یک زندگی ایدئال و رضایت بخش منجر شود.

با حرمت سخی صمیم.

